

مدل ساختاری نقش ذهن آگاهی در رابطه بین یادگیری خودتنظیمی و جهت گیری هدف با هویت تحصیلی موفق

فرزانه یوسفی^۱، زهرا زین الدینی میمند^۲

^۱ دانشجوی دکتری روان شناسی تربیتی، گروه روان شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
^۲ استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه گری ذهن آگاهی در رابطه بین یادگیری خودتنظیمی و جهت گیری هدف با هویت تحصیلی موفق انجام شد. روش: طرح پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی و جامعه آماری آن شامل تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان نهبندان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بود که از بین آنها ۲۱۶ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، انتخاب شدند. مشارکت کنندگان پرسش نامه هویت تحصیلی (واس و ایساکسون، ۲۰۰۸)؛ جهت گیری هدف (میدگلی و همکاران، ۱۹۹۸)، راهبردهای یادگیری خودنظم جویی (پنتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰) و ذهن آگاهی (بائر و همکاران، ۲۰۱۰) را تکمیل نمودند. بررسی فرضیههای پژوهش با استفاده از آزمونهای آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون و مدلیابی معادلات ساختاری در قالب یک مدل علی و با استفاده از نرم افزارهای spss و Lisrel صورت پذیرفت. یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که با توجه به شاخص های ارائه شده، مدل از برازش مناسبی برخوردار است و رابطه ی بین یادگیری خودتنظیمی و جهت گیری هدف با هویت تحصیلی موفق به واسطه گری ذهن آگاهی از نوع افزایشی است به گونه ای که ضریب مسیر جهت گیری هدف و ذهن آگاهی، یادگیری خودتنظیمی و ذهن آگاهی، ذهن آگاهی و هویت تحصیلی موفق به ترتیب (۰.۱۳)، (۰.۵۴) و (۰.۳۹) می باشد. نتیجه گیری: تلاش در جهت استفاده از راهبردهای فراشناختی و اتخاذ جهت گیری هدف تسلط- گرایشی به همراه ذهن آگاهی موثر، سبب شکل گیری هویت تحصیلی موفق در دانش آموزان می شود، بنابراین ضروری است زمینه به کارگیری راهبردهای فراشناختی، برنامه ریزی، بازبینی و نظم دهی ذهنی در بطن برنامه های آموزشی گنجانده شود.

واژه‌های کلیدی: هویت تحصیلی موفق، یادگیری خودتنظیمی، جهت گیری هدف، ذهن آگاهی.